



Defining The Concept of Right to Landscape and the Role of the Islamic jurisprudence rule “La Zarar” in Its Definition

Neda Amini

school of architecture and environmental design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Mehdi Khakzand*

school of architecture and environmental design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Received: 2023/12/03

Accepted: 2025/04/21

Abstract

Landscape is not merely a place, space, or natural setting; rather, it represents the relationship between human beings and their environment through natural, social, and cultural dimensions. As both a process and a platform for human interaction, it supports life, survival, and quality of life while providing a context for realizing the rights of different groups of people. The concept of the right to landscape has recently emerged at the intersection of human rights and landscape studies. However, despite its broad scope and the diversity of stakeholders involved, this issue has received limited attention in legal documents and academic research, particularly within the socio-cultural and Islamic context of Iran. This study aims to define the concept of the right to landscape, clarify its dimensions and legal status, and provide a foundation for future legislation through the jurisprudential rule of La Zarar. It addresses the questions of what constitutes the right to landscape and how the rule of La Zarar can contribute to its definition.

The research employs reflective thematic analysis. Data were collected through triangulation, including face-to-face open interviews, content analysis of existing documents and studies, and archival images. Landscape-related events were examined using Strecker's landscape classification, covering everyday, political, cultural, and natural landscapes. The interviews explored issues such as spatial rights, citizenship rights, spatial requirements, preferences, and deficiencies in the experience of urban landscapes. The data were organized and analyzed using Atlas.ti 8. Thirty-two interviews were conducted with randomly selected participants of different ages and genders until theoretical saturation was achieved. Data analysis followed Braun and Clarke's six-step thematic analysis procedure, supported by the twenty-question qualitative assessment tool to ensure analytical quality. The analysis identified four main themes: the right to honor and benefit from cultural rituals, identity, and religion; the right to dignity and quality of life; the right to health and the preservation and maintenance of ecosystems; and the right to equal access, participation, and use of the landscape. The findings confirm the relevance of the La Zarar rule in defining the boundaries of the right to landscape. Clarifying these dimensions and their relationship with latent power structures and local conflicts that shape and reproduce landscapes can contribute to spatial justice and support the protection of beneficiaries' rights. The study also recommends examining other Islamic jurisprudential rules and Ahadith in future research on the right to landscape.

Keywords:

Landscape,
Right to landscape,
“La Zarar” rule,
Spatial justice.

© 2025 by the authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license .

(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Citation: Amini N, Khakzand M. (2026). Defining The Concept of Right to Landscape and the Role of the Islamic jurisprudence rule “La Zarar” in Its Definition. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 13 (4): 41-56.

[10.61882/jria.13.4.3](https://doi.org/10.61882/jria.13.4.3)

* **Corresponding Author:** mkhakzand@iust.ac.ir



تبیین مفهومی مسئله‌ی حق به منظر و جایگاه مفهوم فقهی لاضرر در تعیین حدود این مفهوم

ندا امینی

دانشجوی دکتری گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

مهدی خاک‌زند*

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

چکیده

منظر به‌عنوان یک فرآیند و بستری برای تعاملات انسانی و جایگاه تحقق حقوق گروه‌های مختلف افراد است. حقوقی که به واسطه‌ی ابعاد گسترده‌ی منظر و تعدد گروه‌های ذی‌نفع، دسته‌های متعدد و متنوع و گاهی متضاد و متناقضی را دربرمی‌گیرد. تاکنون پژوهش‌های اندکی در ارتباط با مسئله‌ی حق به منظر انجام شده است. اما این مسئله در بستر فرهنگی و اسلامی ایران تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. در راستای برطرف نمودن شکاف موجود و با هدف تبیین مفهوم حق به منظر با استفاده از روش تحلیل مضمون، این پژوهش به دنبال تبیین مفهومی مسئله‌ی حق به منظر بوده و می‌کوشد جایگاه قاعده‌ی فقهی و اسلامی لاضرر را در تبیین این مفهوم بیابد. برای حصول اطمینان از اعتبار داده‌های گردآوری شده در این پژوهش، از طریق مثلث‌سازی و به سه روش مصاحبه، مراجعه به اسناد و پژوهش‌های موجود و تصاویر آرشیوی به گردآوری داده‌ها اقدام شد و برای انجام پیمایش، رویدادهای تعاملی میان انسان و منظر به‌عنوان بستری برای تحقق حق به منظر در نظر گرفته شد و به کمک نرم‌افزار Atlas.ti 8 داده‌های گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. چهار دسته حقوق شامل حقوق افراد به گرامیداشت و حفظ آیین‌های فرهنگی، سنت، مذهب، اقتدار سیاسی، هویت و معانی، حقوق افراد به کرامت انسانی و کیفیت زندگی، حق به سلامت، حفظ و نگهداری از اکوسیستم و حقوق افراد به دسترسی برابر، مشارکت، بهره‌مندی و استفاده برابر از منظر از میان داده‌های پژوهش استخراج شده و مشخص شد که توجه به مفهوم قاعده لاضرر در تحدید و مشخص نمودن مرزهای حق مرتبط و موثر است. تبیین ابعاد حق به منظر و شناخت مرزهای آن با توجه به ساختارهای پنهان قدرت و منازعات مکنونی که به تولید و بازتولید منظر می‌انجامد، می‌تواند قدمی را در راستای حرکت به سمت برابری و عدالت فضایی که از ضروریات و موکدات احکام دین مبین اسلام بوده برداشته به استیفای حقوق تضییع‌شده‌ی منتفعان از منظر کمک کند. نویسندگان به‌عنوان پیشنهادات آتی پژوهش بررسی سایر قواعد فقهی اسلامی و احادیث را در ارتباط با مفهوم حق به منظر پیشنهاد می‌کنند.

واژگان کلیدی: منظر، حق بر منظر، قاعده فقهی لاضرر، عدالت فضایی.

ارجاع به مقاله: امینی ندا، خاک‌زند مهدی (۱۴۰۴). تبیین مفهومی مسأله‌ی حق به منظر و جایگاه مفهوم فقهی لاضرر در تعیین حدود این مفهوم، پژوهش‌های معماری

اسلامی، ۱۳(۴): ۵۶-۴۱. doi: 10.61882/jria.13.4.3

* نویسنده مسئول: mkhakzand@iust.ac.ir

۱. مقدمه

منظر صرفاً نه مکان، نه فضا و نه طبیعت، بلکه ارتباطی است میان انسان و محیط و دارای جنبه‌های طبیعی، اجتماعی و فرهنگی است؛ این ارتباط فراهم آورنده‌ی حیات، بقا و همچنین کیفیت زندگی برای گروه‌های مختلف افراد از نسل امروز و آیندگان است (Egoz, Makhzoumi and Pungetti, 2016, 5). حق به منظر مفهومی نو و در فصل اشتراک میان حقوق بشر و حوزه‌ی منظر است. تا کنون پژوهش‌های اندکی در این زمینه به زبان لاتین انجام شده است. بنابراین ضرورت پرداختن به این مسئله در بستر فرهنگی جغرافیایی ایران و تبیین این مفاهیم احساس می‌شود. با وجودی که حق به منظر به بررسی حقوق اینا بشر به مناظر احاطه‌کننده آنها می‌پردازد، اما کمتر سند قانونی مورد ارجاعی در دنیا و همچنین در ایران در ارتباط با این مسئله تا امروز نگاشته شده است (Strecker, 2018, 296). با توجه به فقدان موجود، چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی، مشخص کردن ابعاد مسئله‌ی حق بر منظر و تبیین جنبه‌های مختلف آن برای شناخت بیشتر این مفهوم، ابعاد و سوبه‌های آن و جایگاه حقوقی آن در جهت پی‌ریزی اصولی پایه‌های اولیه در راستای قانون‌گذاری صحیح ضروری به نظر می‌رسد. مبانی فقهی حقوق اسلامی همواره نقشی پررنگ چه در نگارش قانون اساسی و چه در تبیین و کاربست انواع حقوق مدنی و خصوصی داشته و دارند. همانند بسیاری از مسائل مهم جهانی که قرآن و اسلام به آنها پرداخته، مسئله‌ی منظر نیز در کلام الهی انعکاس یافته است. اسلام قواعد فقهی متعددی را در راستای به رسمیت شناختن حقوق بشر و حقوق مدنی جوامع انسانی بیان نموده است. قواعدی همچون قاعده تسبیب، اتلاف ... و لاضرر که از مهمترین این قواعد فقهی اسلامی به شمار می‌رود حدیث «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» که در روایات متعدد و در منابع متفاوتی نقل شده است و اندیشمندان اسلامی بسیاری از اهمیت آن سخن گفته‌اند (هاشمی شاهرودی ۱۳۸۷، ۳۵-۱۵۵؛ محقق داماد یزدی ۱۳۸۲، ۹۲-۱۰۹-۱۱۷) ضرر و زیان رساندن به دیگران و خود به هر نحو را مورد پذیرش اسلام نمی‌داند. بنابراین اصل بر انسان مسئولیتی است به زیان نرساندن به خود و دیگران. این اصل بنیادی‌ترین پایه‌های مسئله‌ی حق به منظر را تشکیل می‌دهد. حق به منظر در تعاملی دوسویه میان انسان و منظر که در یک سو انسان به‌عنوان منتفع و محافظت‌کننده از منظر و در سوی دیگر منظر به‌عنوان نفع‌رسان و نیازمند محافظت قرار می‌گیرند قابل تعریف است. در صورت تهدید و به مخاطره افتادن حقوق هر کدام از طرفین این جریان از تعادل خارج شده و به هر دو سو آسیب خواهد رساند.

این پژوهش قصد دارد تا با ارائه‌ی تعریف و تبیین مفهوم حق به منظر، به این پرسش پاسخ دهد که ابعاد مختلف مسئله‌ی حق به منظر چه بوده و آیا قاعده لاضرر می‌تواند در شناسایی بهتر این مفهوم موثر باشد؟ بنابراین پس از سیری اجمالی بر ادبیات موضوع، با استفاده از روش تحلیل مضمون و با بررسی داده‌های کیفی حاصل پیمایش، مطالعه مروری اسناد پژوهشی مرتبط و تصاویر آرشیوی، حق به منظر در ارتباط میان انسان و منظر در بستر فرهنگی-اجتماعی موجود مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، مضامین و مفاهیم ضمنی مستتر در آن استخراج شده و ابعاد و سوبه‌های مختلف مفهوم حق به منظر مورد موشکافی قرار گرفتند. پژوهش حاضر در چهار بخش ارائه شده است. بخش اول مقدمه و بررسی ادبیات موجود در ارتباط با منظر، حق و اصول فقهی و اسلامی و ارتباط آن با معماری و شهرسازی و مسئله‌ی حق به منظر خواهد بود. در بخش دوم به روش پژوهش و تشریح آن خواهیم پرداخت. در بخش سوم به بیان یافته‌های پژوهش و مضامین استخراج شده و در نهایت در بخش چهارم به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی خواهیم پرداخت.

۲. پیشینه پژوهش

تعاریف متعددی در طول تاریخچه تطور مفهوم منظر ارائه شده است. به نظر می‌رسد آنچه تا امروز بر سر آن اجماع وجود دارد، این است که منظر صرفاً توسط خصوصیات زیبایی شناسانه و چشم‌نوازش تعریف نشده، بلکه یک فرآیند است (Menatti, 2017, 674) و به مثابه مکانی دارای ماهیت مادی و ملموس و فرا مادی و ناملموس است که در ارتباط با انسان تعریف شده بنابراین موجودیتی بازتابی دارد (Kühnhardt and Mayer, 2019, 625). منظر به واسطه‌ی مفهوم چندوجهی و انعطاف پذیرش می‌تواند در معرض تفاسیر مختلف قرار بگیرد و ظرفیت آن برای کمک به دموکراسی، عدالت اجتماعی، و رفاه ناشی از تفسیر منظر به‌عنوان رابطه بین انسان و محیط فیزیکی به جای در نظر گرفتن آن به‌عنوان صرفاً یک محصول مادی است (Egoz, 2012, 154). بنابراین منظر شامل لایه‌های متعددی از فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و مادی است (Olwig and Mitchell, 2007, 530).

کلمه «الحق» از اسما خداوند بوده و به کرات در آیات متعدد قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است. آیه ۳۰ سوره لقمان، می‌فرماید: «ذَلِكْ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ». همچنین آیه ۲۵ سوره نور، خداوند را حق آشکار بیان می‌دارد: «يَوْمَئِذٍ يُؤْفِقُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (قرآن کریم). همچنین، در تعریف واژه حق در فرهنگ معین و دهخدا به انصاف و عدل اشاره شده است. همچنین، امام

است و هیچکس نمی‌تواند در آن مداخله کرده و آن را سلب کند. حق فرد به مالکیت بر زمین خود به مثابه اختیار او بر دارایی‌اش است که احدی نمی‌تواند آن را سلب کند. تعریف بعدی حق را به مثابه توانایی و قدرت بر می‌شمارد. صاحب این نوع از حق اقتدار دارد و می‌تواند بدون اینکه تکلیفی بر او واجب شود حق خود را بر دیگران اعمال کند و فرد مقابل را در حالت انفعال قرار دهد و در نهایت حق به معنای مصونیت. صاحب این حق مصون است و کسی نمی‌تواند بر او اعمال قدرت کرده مگر علت قانونی دیگری وجود داشته باشد. (موحد ۱۴۰۰، ۵۵). علاوه بر دسته‌بندی هوفلد می‌توان به دسته بندی‌های دیگری نیز اشاره کرد. جرمی والدرون حقوق را در سه نسل دسته‌بندی کرده و حقوق نسل اول را شامل حقوق مدنی و سیاسی دانسته، حقوق نسل دوم را شامل حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، و حقوق نسل سوم را حقوق جمعی مردم برمی‌شمارد (Waldron 2017، 186). این در حالی است که پیرس و همکاران حق را در چهار دسته حقوق طبیعی، مدنی، سیاسی، و اجتماعی دسته بندی می‌کنند (Pierce, Williams, and Martin 2016، 80). همانطور که دیده می‌شود رویکردهای مختلفی در دسته بندی انواع حقوق وجود دارند. در جدول ۱، دسته‌بندی‌های متعددی که از انواع حقوق در ادبیات موضوع ارائه شده است می‌توان حقوق فردی، حقوق جمعی، حقوق اساسی، حقوق مشارکتی، حقوق ناظر بر آزادی‌گزینش و حقوق بهزیستی را مشاهده نمود.

علی (ع) می‌فرماید هرگاه حق به نفع کسی به جریان افتاد در مقابل برایش مسئولیتی به همراه خواهد داشت و هرگاه حق به زبان کسی به جریان افتد به همان اندازه به سود او خواهد بود و تنها حقی که با تکلیف ملتزم نیست مخصوص خداوند است و نه مخلوقاتش (نهج‌البلاغه: ۴۴۱). امام صادق (ع) نیز رعایت حق‌الله، حق‌الناس، و حق‌النفس را در طول هم و برای صلاح امور فرد و جامعه انسانی لازم می‌داند. پیش از هر چیز حق‌الله خواستگاه و منشأ سایر حقوق است و هرآنچه از تکلیف از سوی خدا برای بنده‌اش آمده است می‌باشد. پس از آن حق‌الناس است که شامل تکالیف و حقوقی دوسویه اند. این مجموعه حقوق برای تأمین آسایش افراد و جامعه و برای اصلاح امور در زندگی اجتماعی تعریف شده‌اند. مانند حقوق خانوادگی، حقوق اجتماعی، حقوق همسایگی، و ... و در نهایت حق‌النفس، حق انسان بر خویش و اعضا و جوارحش است. رعایت نکردن این حق به منزله ی ظلم به خویش است (ابن شعبه حرّانی ۱۳۸۲، ۴۰۷). در تعریف واژه حق، هوفلد حقوقدان آمریکایی چهار دسته را بر می‌شمارد. حق به مثابه تکلیف، آزادی، توانایی، و قدرت و در نهایت حق به مثابه مصونیت (Hohfeld 1919، 54). دسته‌ی اول سخن از حق در مقابل تکلیف است. جایی که حق یک فرد می‌تواند دیگری را ملزم به رعایت تکالیفی خاص کند. به‌عنوان مثال، برای جوامع نسبت به منظر در معنای محیط زیست و به‌عنوان یک قرارگاه و زیستگاه طبیعی، هم حقی است و هم تکلیفی. حق به انتفاع برای حیات و زیست سلامت‌محور و تکلیف به حفظ و نگهداری از آن. دسته‌ی دوم سخن از آزادی به معنای اختیار فرد بر چیزی

جدول ۱. انواع حقوق و مصادیق آن‌ها (ماخذ: نگارندگان)

نوع حق	تعریف	مصادیق
حق خالق بر مخلوقات	مجموعه حقوقی است از خالق بزرگ بر مخلوقات	حق بر پرستش و اطاعت خدا
حقوق فردی	مجموعه‌ای از حقوق که به هر فرد به‌صورت شخصی و جداگانه اعطا می‌شوند	حق آزادی بیان و حق مالکیت
حقوق جمعی	مجموعه‌ای از حقوق که به جوامع و گروه‌های افراد اطلاق می‌شوند و افراد به لحاظ عضو بودن در یک جامعه حق توسعه و حق ملت بر میراث از آن برخوردار می‌شوند. این حقوق قابل اعمال نیستند مگر با اراده‌ی قوی جمعی	حق ملت بر میراث طبیعی خود
حقوق اساسی/ بنیادین	مجموعه‌ای از حقوق که بدون دخالت اراده انسانی و به صرف انسان بودن فرد بر او قابل اطلاق هستند. این حقوق اختصاص به احدی خاص نداشته بلکه به عموم افراد جامعه تعلق دارد، از فرد قابل سلب نیست و کسی در آفریدن آن‌ها نقش ندارد. قوانین و حقوق بشر از جمله‌ی این نوع قانون هستند. تکلیفی که در این نوع حقوق وجود دارد بر عهده‌ی دولت است و سازمان‌های حقوق بشری نسبت به پاسداشت و رعایت آن‌ها در جوامع نظارت دارند، گرچه عملاً اهرم عملیاتی در موارد عدم اجرای این قوانین وجود ندارد.	حق کرامت انسانی
حقوق مشارکتی	این حقوق از یک عمل ارادی (با واسطه یا به‌طور مستقیم) متولد می‌شوند. بنابراین در ارتباط میان فرد با دیگران مطرح شده و عموماً ناشی از تعهد یا پیمان، و یا قراردادی دوطرفه است و برای رسیدگی به دادگاه مصلح و قانون ارجاع داده می‌شوند.	حقوق مدنی
حقوق ناظر بر آزادی‌گزینش	شامل حقوقی هستند که انسان را در انتخاب مواردی مانند نوع مذهب و عقیده، مکان زندگی، و ... آزاد می‌گذرانند.	دسترسی به فضای عمومی، انتخاب مذهب و عقیده
حقوق بهزیستی	این دسته از حقوق وسیله‌ای برای اطمینان از بهبود شرایط زیست و کیفیت زندگی هستند.	تسهیلات بهداشتی و آموزشی و برخورداری از محیط زیست سالم

منظر به‌عنوان یک مفهوم گسترده، با وجودی که به خودی خود و مستقیم نوعی حق قانونی مدون محسوب نمی‌شود، به کرات در قوانین حقوقی بین‌المللی به صورت غیرمستقیم به آن اشاره شده است (Menatti 2017, 641) و اشتراکاتی با انواع دسته‌های حقوقی ذکر شده تحت عنوان حقوق فردی، جمعی، اساسی و بنیادین، مشارکتی، ناظر بر آزادی‌گزینش و حق بهزیستی دارد. در این مورد به منظر به‌عنوان زیستگاهی طبیعی که فراهم‌آورنده و تأمین‌کننده‌ی حیات انسان است، حقی از حقوق اساسی انسان به زیست که موضوع ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد، وجود دارد. این مسئله همزمان می‌تواند حقوق بهزیستی و حقوق جمعی جوامع را نیز در بر بگیرد. همانگونه که امروزه با بهره‌برداری‌های بیش از حد و غیرمجاز از منابع طبیعی و تخریب آن شاهد تغییرات زیست‌اقليمی همراه با باران‌های سیل‌آسا دوره‌های خشکسالی متمادی و خطرات آن برای انسان‌ها، جانوران و اکوسیستم هستیم. همچنین هنگامی که فصل اشتراک حقوق مهاجرین و بومیان منطقه‌ای مانند استرالیا، آمریکا، و یا آفریقا را به منظر مورد بررسی قرار می‌دهیم، حقوق اساسی، مشارکتی، حق ناظر بر آزادی‌گزینش، حقوق فردی، جمعی و بهزیستی همگی مربوط و قابل بررسی هستند، به این ترتیب که هر دو دسته از افراد استحقاق دسترسی برابر به منظر جمعی (حقوق ناظر بر آزادی‌گزینش)، حق حیات (حقوق اساسی)، حق مالکیت بر زمین (حقوق فردی)، حق انتفاع از مواهب طبیعی (حقوق جمعی) و کیفیت زندگی (حقوق بهزیستی) را دارند. همچنین در مثالی دیگر از تجربیات دوران استعمار، مسائلی متعددی از جمله حقوق مشارکتی مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال حقوق بومیان اسکندیناوی به وراثت زمین که در مقابل حقوق سیستم مرکزی حاکم غیروبومی که شکلی متفاوت دارد موجب نقض حقوق مدنی بومیان آن منطقه شده است (Jones 2016, 81). بر خلاف حقوق استقلالی که یک حق واحد را به رسمیت می‌شناسد مانند حق حیات، حق بر منظر از مجموعه‌ای گسترده از حقوق تابعه از جمله حق حیات، سلامت، و... در زیرمجموعه‌ی خود تشکیل شده است. این مجموعه‌ی حقوق با توجه به ابعاد گسترده‌ی منظر، مفاهیم متعدد واژه حق و همچنین تعدد گروه‌ها و افراد ذی‌نفع، طیف وسیعی از انواع حقوق را دربرمی‌گیرد. به این ترتیب می‌توانیم حق به منظر را مجموعه‌ای از حقوق درهم‌تنیده و در تعارض در نظر بگیریم (تصویر ۱) که پارادوکسی درونی دارد به این معنی که به مسئله‌ی حقوق بشر که امری جهانی است می‌پردازد و همزمان امری فرهنگی، منطقه‌ای، و وابسته به زمینه محسوب می‌شود (Menatti 2017, 670). آگوز، مخزومی، و پانگتی حق به منظر را حقوق افراد، جوامع،

لازم به ذکر است که دسته‌های ارائه شده کاملاً از هم منفک نبوده و گاه دارای همپوشانی هستند. به‌عنوان مثال حقوق فردی می‌تواند به نوعی بخشی از حقوق اساسی و یا حقوق ناظر بر آزادی‌گزینش باشد. حق بر منظر از جمله حقوق نوپدید بوده و در امتداد حقوق نسل‌های پیشین توسعه یافته اند (موحد ۱۴۰۰، ۳۸۲). بنابراین وقتی سخن از حق در مسئله‌ی حق بر منظر به میان می‌آید باید بدانیم که کدام مفهوم از حق مد نظر است و حق مورد نظر در کدام دسته و کدام طیف حقوقی قرار می‌گیرد. در ادامه تلاش خواهد شد که به این مسئله پاسخ داده شود.

۳. مبانی نظری

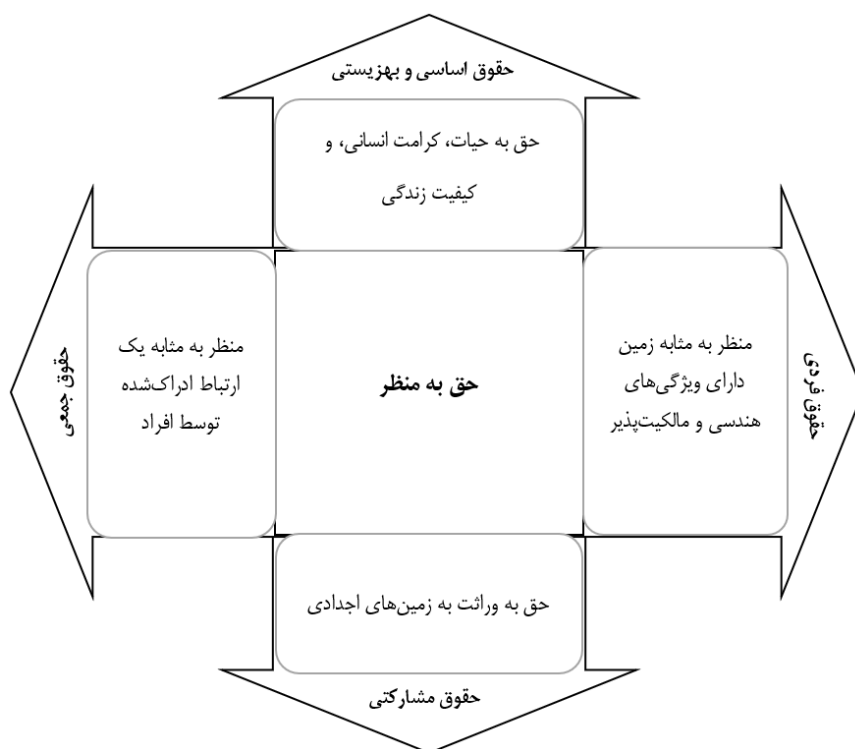
۳-۱. حق به منظر

منظر در ارتباط با انسان تعریف و تولید می‌شود و دارای جنبه‌های حقوق بشری است. از سوی دیگر محافظت، مدیریت و برنامه‌ریزی منظر با مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، و عدالت فضایی ارتباط پیدا می‌کند (Menatti 2017, 665). نبود واژگان و ادبیات حقوقی مرتبط با منظر و گستردگی کاربرد و ابهامات موجود در تعریف مفهوم منظر موجب دشواری تعریف حقوق نسبت به آن می‌شود. توماس الویگ پاسخ به دو سوال مهم را برای شفافیت در گفتمان و عملیاتی کردن مسئله‌ی حق بر منظر ضروری می‌داند. نخست آنکه در مفهوم حق بر منظر، از کدام منظر صحبت می‌کنیم، دوم آنکه کدام مفهوم از حق در مسئله‌ی حق بر منظر مد نظر است (Olwig 2016, 39). واژه land به معنای زمین در landscape در دو معنی قابل برداشت است. در معنای اول، زمین به مثابه محدوده قانونی ملک شخصی افراد، که حقوق مالکیت فردی و حقوق مدنی در مورد آن مصداق می‌یابد و در نص قوانین به طور گسترده به آن پرداخته شده است. زیر پا گذاشتن این نوع حق موجب واکنش قانونی و جریمه می‌شود (موحد ۱۴۰۰، ۶۰). اما در معنای دوم زمین به مثابه یک دارایی مشترک میان افراد جامعه است. در این مفهوم حقوق عرفی که ریشه در سنت‌ها و شیوه‌های نانوشته دارد در مورد منظر به کار می‌رود و تنها عامل کنترل‌کننده آن نظارت اجتماعی است و در صورت زیر پا گذاشته شدن با واکنش و نكوهش عموم جامعه مواجه خواهد شد. به عبارتی، فرد می‌تواند مالک land یا زمین بوده، اما نمی‌تواند مالک landscape یا منظر باشد. در نظر گرفتن همزمان دو معنی ذکر شده در ارتباط با منظر پیچیدگی‌هایی را به همراه دارد. بنابراین مهم است که بدانیم که از حقوق نسبت به کدام منظر صحبت می‌کنیم (همان، ۴۷). همچنین طبق آنچه گفته شد، لازم است بدانیم که منظور از حق کدام حق است. حق به



طبیعی سالم و همچنین حق محیط طبیعی به‌عنوان عنصری اساسی برای انسان است که در زیرمجموعه‌ی اخلاق محیطی بوده و به دلیل ارزش ذاتی طبیعت مورد بحث قرار می‌گیرد. و دسته‌ی سوم متصل‌کننده‌ی دو دسته‌ی اول است، با این هدف که با ایجاد بدنه‌ای از دانش از دیدگاه منظر به حمایت از حقوق بشر بپردازد (Menatti 2017, 671) استرکر نیز در بررسی منظر در قوانین بین‌المللی، آن را در سه دسته منظر با اهمیت فرهنگی، منظر با اهمیت طبیعی و منظر به‌عنوان بستری برای زندگی روزمره که در شیوه زندگی روزمره افراد تأثیرگذار است، تقسیم‌بندی می‌کند. در دو دسته‌ی اول تأکید بر ارزش این مناظر برجسته به‌عنوان «میراث» بوده که نیازمند محافظت هستند، اما در دسته‌ی سوم، مسئله‌ی دموکراسی و عدالت فضایی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، بنابراین این مناظر نیازمند قوانین و خط‌مشی‌های دموکراتیک با هدف مدیریت، محافظت و برنامه‌ریزی هستند (Strecker 2018, 296).

ملت‌ها و گروه‌های اقلیتی اقتصادی، سیاسی، دینی، بومی، و... به سلامت جسمی، روحی، روانی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و همچنین حقوق افراد به مدیریت پایدار منابع طبیعی و محافظت از فرایندهای طبیعی و سلامت اکوسیستم می‌دانند. همچنین منتهای حق به منظر را به‌عنوان یک دارایی مشترک در سه دسته تعریف می‌کند: حق به منظر ادراک‌شده (حق به منظر جمعی)، حق به منظر به‌عنوان محیط (منظر به‌عنوان یک محیط اکولوژیک شامل گیاهان، حیوانات، و...) و حق به منظر به‌عنوان چهارچوبی که حقوق بشر را مورد خطاب خود قرار می‌دهد. در مورد اول کلیدواژه ادراک اشاره ایست به تعریف کنوانسیون منظر اروپا و بیان‌کننده‌ی آن است که ادراک انسان فاکتوری کلیدی در تبیین حق به منظر است و شامل حق به میراث، سلامت، و فرهنگ است. بنابراین منظر می‌تواند توسط افراد مختلف متفاوت ادراک شود و دربردارنده‌ی لایه‌های متعدد مفهومی باشد. مورد دوم در ارتباط با حق افراد به محیط



تصویر ۱. جایگاه حق به منظر در انواع دسته‌بندی‌های حقوقی (مأخذ: نگارندگان)

شهرسازی و منظر شهری را مورد مطالعه قرار داده‌اند. از جمله قواعد فقهی که در تبیین و نگارش بسیاری از مبانی حقوقی اسلامی نقشی موثر داشته‌اند، قاعده‌ی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» است که مسئله‌ی حق را در ارتباط با خود فرد و سایرین مورد بررسی قرار می‌دهد (جدول ۲).

۳-۲. قاعده لاضرر در چه نسبتی با مسئله حق قرار

می‌گیرد؟

توجه به مسئله‌ی حق و اهمیت عدالت در آیات و روایت متعددی در قرآن کریم و سایر منابع عقلی و نقلی اسلامی قابل مشاهده است. همچنین پژوهش‌های متعددی فصل اشتراک میان اصول اخلاقی و فقه اسلامی و محیط زیست، معماری،

جدول ۲. پیشینه پژوهش در فصل اشتراک فقه اسلامی و محیط زیست، معماری، شهرسازی و منظر شهری (مأخذ: نگارندگان)

پژوهش	موضوع
فغفور مغربی (۱۳۸۸)	نقش اصول اخلاقی و فقهی من جمله قاعده لاضرر در حفاظت از محیط زیست
خسروی، بمانیان، و سیفیان (۱۳۹۱)	قاعده لاضرر به‌عنوان قاعده‌ای هویت‌ساز در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی
پژوهنده و پژوهنده (۱۳۹۲)	بررسی هندسه شهری از منظر اصول اخلاقی و فقهی اسلامی
طغراالجردی (۱۳۹۵)	بررسی مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری از دریچه‌ی قواعد شریعت اسلامی و اصول شهرسازی اسلامی-ایرانی
آیتاله جوادی آملی (۱۳۹۸)	دیدگاه دین مبین اسلام در ارتباط با شناخت قوانین حاکم بر محیط زیست (به‌عنوان بستر حیات انسانی و اجتماعی) و اصول صحیح بهره‌برداری از آن
قلندریان گل خطمی و حقیقتین (۱۳۹۵)	کاربرد اصول فقهی در دستیابی به امنیت در منظر شهری
حیدری و قاسمیان (۱۳۹۸)	قاعده فقهی و اخلاقی لاضرر به‌عنوان یکی از اصول شکل‌دهنده به معماری خانه‌های سنتی یزد
حسن‌زاده و دیگران (۱۳۹۸)	نقش قاعده لاضرر در بحران‌های محیط زیستی
حسن‌پور، موسوی بجنوردی، و ابن تراب (۱۳۹۸)	کاربرد قاعده لاضرر در حفاظت از محیط زیست و معماری در راستای ارائه مدلی برای شهرسازی اسلامی و ایرانی
حاجی قاسمی اردبیلی و میلانی (۱۴۰۰)	بررسی سیاست‌های قانونی و کیفری جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با جرایم محیط زیستی از پنجره‌ی اصول و آموزه‌های فقهی
شاه بیک، حیدری، و نوذری فردوسی (۱۴۰۰)	نقش قاعده لاضرر در پیشگیری از تعارض منافع در اجرای قوانین محیط زیستی

اعمال خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، اصل ۴۰). آنچه بیان شد کاملاً در تطابق با قاعده لاضرر در دین اسلام است. بنابراین قاعده لاضرر حدود آزادی‌ها و حقوق انسان‌ها و جوامع را مشخص می‌کند.

۳-۳. قاعده‌ی فقهی لاضرر در چه نسبتی با مسئله‌ی حق به منظر قرار می‌گیرد؟

همانطور که گفته شد، اساسی‌ترین مسئله در بطن قاعده لاضرر عدم آسیب‌رسانی به خود و دیگران است. نکته‌ی مهم مستتر در بطن این قاعده، این است که هنگامی که صحبت از زیان رساندن به «دیگران» می‌کند، این سایرین تمامی گروه‌های ذی‌نفع چه گروه‌های اکثریت و چه گروه‌های آسیب‌پذیر و در اقلیت را دربرمی‌گیرد. وقتی سخن از ضرر و زیان به میان می‌آید، این زیان هم آسیب‌های مادی و هم آسیب‌های معنوی را دربرمی‌گیرد. بنابراین دیده می‌شود که این قاعده در عین سادگی نگاهی جامع داشته و تمام جنبه‌های مسئله‌ی حق به منظر را تحت پوشش قرار می‌دهد.

منظر در ابعاد مختلفی در خدمت انسان قرار می‌گیرد و به خطر انداختن هر کدام از این ابعاد می‌تواند چندین حقوق از گروه‌های مختلف افراد را همزمان به خطر بیندازد. چه هنگامی که صحبت از ابعاد عینی منظر، شامل نحوه‌ی عملکرد، ویژگی‌های فیزیکی و بصری منظر و فضای هندسی

نکته شایان توجه این است که زمانی که از «حق من» صحبت می‌کنیم، این حق برای سایر افراد انسانی نیز مصداق می‌یابد بنابراین آنچه برای من حق محسوب می‌شود، تکلیف من (نسبت به سایرین) نیز خواهد بود. به‌عنوان مثال اگر من آزادم تا فرائض دینی و مذهبی خود را (تا جایی که آسیبی به دیگران وارد نکند) انجام دهم، باید این حق را برای پیروان سایر ادیان نیز قائل باشم. بنابراین حق آزادی عقیده و مذهب، متضمن حق و تکلیفی توأمان است. به عبارتی دیگر، آنچه حائز اهمیت است گستره‌ی اعمال حق است. باید این پرسش مهم را مطرح کنیم که آیا می‌توانیم آزادی‌های انسانی را نامحدود در نظر بگیریم؟ به‌عنوان مثال آیا آزادی بیان به منزله گفتن هر آنچه دلبخواه ماست می‌باشد؟ در ماده ۲۹ اعلامیه حقوق بشر اشاره شده است که در اعمال حقوق و آزادی‌های انسان محدودیت‌هایی وجود دارد که برای احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران و رعایت مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی جامعه دموکراتیک در نظر گرفته شده‌اند (The Universal Declaration of Human Rights 1948, Article 29). بنابراین قانون و اخلاق گستره‌ای را برای آزادی‌های انسان در نظر می‌گیرد و این مرز همان حدودی است که قاعده لاضرر تعیین می‌کند. آزادی تا جایی قابل اعمال است که آسیبی متوجه خود فرد و همچنین جامعه نشود. این نکته در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز اعلام شده است: هیچکس نمی‌تواند

روش تحلیل مضمون انعکاسی (Braun and Clarke 2023, 2) با رویکرد قیاسی و با نیم‌نگاهی به تئوری‌ها و بدنه‌ی دانش موجود در این زمینه به ارائه دسته‌بندی از محتوا و مضامین آشکار و نهان موجود در ارتباط با پدیده‌ی حق به‌منظر می‌پردازد. برای حصول اطمینان از اعتبار داده‌های گردآوری شده در این پژوهش، از طریق مثلث‌سازی و به سه روش مصاحبه‌های باز و به‌صورت رو در رو، مرور محتوایی اسناد و پژوهش‌های موجود و تحلیل محتوایی تصاویر آرشیوی به گردآوری داده‌ها اقدام شد. برای انجام پیمایش، رویدادهای تعاملی میان انسان و منظر به‌عنوان بستری برای تحقق حق به‌منظر در نظر گرفته شده و مورد واکاوی قرار گرفتند. طبق دسته‌بندی ارائه شده توسط استرکر، مناظر در سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند. در هر کدام از این دسته‌ها رویدادها به صورت زیر تعریف شدند. در ارتباط با مناظر روزمره تعاملات محیطی روزانه افراد، شامل فعالیت‌های روزانه و روتین تکرار شونده که در آن بر مبنای تعریف بورديو (Grenfell 2013, 53) منظر به‌عنوان میدانگاهی سیاسی برای کشمکش میان قدرت‌های موجود برای تسلط بر آن مد نظر قرار می‌گیرد، در ارتباط با مناظر فرهنگی، رویدادهای فرهنگی، اجتماعی، و مذهبی شکل گرفته در قلب منظر و در ارتباط با مناظر طبیعی منظر از زاویه زیست‌محیطی و به‌عنوان بستری طبیعی در نظر گرفته شده‌اند و کلیدواژه‌های حقوق فضایی، حقوق شهروندی، الزامات فضایی، ترجیحات، نقص‌ها و کمبودهای موجود در ارتباط با تجربه‌ی افراد از هر کدام از ۳ دسته ذکر شده در مناظر شهری مورد پرسش قرار گرفت. داده‌های گردآوری شده پس از تبدیل به فرمت قابل تحلیل، برای مدیریت و سازماندهی بهتر و امکان انجام تفسیر عمیق بر روی اسناد به نرم‌افزار Atlas.ti80 (Atlas.ti Scientific Software, Development GmbH 2019) انتقال داده شده و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند (Jowsey, Deng, and Weller 2021, 475). تعداد مصاحبه‌های انجام شده ۳۲ عدد بوده و جامعه آماری انتخاب شده، به صورت تصادفی و در سنین مختلف و از هر دو جنسیت زن و مرد بوده‌اند. پس از انجام این تعداد به اشباع نظری در داده‌ها دست یافتیم بطوری که هیچ دسته و یا مضمون جدیدی معرفی و تولید نشد. در مرحله‌ی بعد و برای تحلیل و تفسیر داده‌ها، از روش تحلیل مضمون انعکاسی که بازتابی از تحلیل تفسیری محقق از مجموعه داده‌هاست و فراتر از خلاصه کردن و دسته‌بندی داده‌ها رفته و با شناسایی الگوهای پنهان و روابط میان داده‌ها، تفسیری نو از آن‌ها ارائه داده و به پرسش پژوهش پاسخ می‌دهد مورد استفاده قرار گرفت (Kiger and

باشد و چه هنگامی که بحث از ابعاد ذهنی منظر شامل ادراکات و تجربیات، خاطرات و احساسات باشد، در تمام این موارد منظر در خدمت انسان است و هر کدام از این وجوه در معرض خطر و آسیب قرار بگیرند، قاعده لاضرر قابل اطلاق خواهد بود. از آنجایی که منظر در ارتباط بین محیط با انسان تعریف می‌شود و ادراک انسان در آن نقش کلیدی دارد، بنابراین مسئله‌ی گروه‌های ذی‌نفع استفاده‌کننده از منظر مسئله‌ای بسیار مهم در این رابطه است. در اینجا مسئله‌ی حائز اهمیت این است که حدود آزادی‌های افراد در ارتباط با منظر و مرزهایی که این آزادی‌ها باعث آسیب و ضرر برای گروه‌های مختلف ذی‌نفع شناسایی شده دیگر به بار می‌آورند و مرزهای اعمال حقوق برای این گروه‌ها مشخص شوند. در نتیجه تمامی گروه‌های ذی‌نفع در مسئله‌ی حق به‌منظر باید لحاظ شوند. به‌عنوان مثال اگر ریختن پساب‌های صنعتی کارخانه‌ای به یک رودخانه موجب آلودگی آن شود، افرادی که در معرض این آسیب قرار می‌گیرند نه فقط افرادی هستند که در آن شهر و در کنار آن رودخانه زندگی می‌کنند، بلکه تمام مناطق و شهرها یا حتی کشورهایی که آن رودخانه از آن می‌گذرد (فرامرزی بودن مسئله‌ی حق به‌منظر)، اکوسیستم موجود در آن رودخانه و آن منطقه به دلیل همبستگی چرخه‌ی اکوسیستم، به‌عنوان مثال ماهی‌ها، پرندگان، درختان و... (فرانسانی بودن مسئله‌ی حق به‌منظر) و انسان که در انتهای این چرخه قرار می‌گیرد و نسل‌های آینده (فرازمانی بودن مسئله‌ی حق به‌منظر) و در مجموع اکوسیستم کره‌ی زمین در معرض خطر قرار می‌گیرند. بنابراین طبق آنچه تا کنون ذکر شد، حق به‌منظر مجموعه‌ای از حقوق در هم تنیده و در تعارض میان گروه‌های مختلف ذی‌نفع است که به دلیل ارتباط تنگاتنگ با مسائل فرهنگی و زمینه‌ای می‌تواند به اشکال متفاوتی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین قاعده لاضرر قاعده‌ای بسیار مهم و کلیدی در مسئله‌ی حق به‌منظر است و مفهوم حدود و گستره‌ی اعمال حقوق برای افراد را به درستی «تا جایی که آسیب و زیانی نه به خود فرد و نه سایرین وارد نشود» تعریف می‌کند، نکته‌ای که در تعریف حق به‌منظر تحت عنوان تضاد یا تعارض منافع گروه‌های مختلف ذی‌نفع مطرح می‌شود. اکنون پس از آنکه مشخص شد که قاعده اسلامی لاضرر می‌تواند به درستی در روشن نمودن مرزهای حق به‌منظر نقش ایفا کند در ادامه با استناد به روش تحلیل مضمون و با بررسی رویدادهای تعاملی میان انسان و منظر به روشن ساختن ابعاد حقوق افراد به‌منظر خواهیم پرداخت.

۴. روش پژوهش

این پژوهش در پارادایم تفسیری و با رویکرد کیفی، به

مفاهیم در اسناد مورد بررسی را نشان می‌دهد. برای دقت در انجام پژوهش، از مراحل شش‌گانه‌ی پیشنهادی براون و کلارک (Braun and Clarke 2006, 87) شامل ۱. آشنایی با داده‌ها، ۲. تولید کدهای اولیه، ۳. تولید مضامین، ۴. مرور و بازنگری مضامین، ۵. تعیین و نام گذاری مضامین، و ۶. نگارش گزارش و همچنین ابزار ارزیابی کیفی تحلیل تماتیک (Braun and Clarke 2021, 18) که شامل بیست سوال برای تضمین کیفیت تحلیل صورت گرفته مورد استفاده قرار گرفته است.

ملیحه: فاصله محله ما تا اولین سوپرمارکت پیاده به ریهه. اینجا غیر از خونه هیچی نیست. آده فروشنده‌ی نه پارکی، نه زمین بازی ای. چون معمولاً نمایان بیرون، اگر بخوان هم ببین سوار ماشین و دوجرخشون میشن می رن به جا هم می بینن. برای خریدم الان دیگه بیک همه چیزو میاره دم در خونه. من ولی به پیاده روی دم صبح یا غروب اگر نرم که دیگه افسرده میشم. بولی این محله اصلاً شرایط مناسبی برای پیاده روی ندارم. امن به وقتی بخوام همسایه که دوست ده سالمه ببینم باید بگم پیاده خورم یا من برم خونه افش. مثلاً به پارک یا دوتا نیمگی چیزی هم اگر بود میشد بریم به هوایی هم بیرون بخوریم. حالا به وقتی به قرارایی بیرون هم می داریم ولی کم.

مهری: اما کوچمون به کوچه خیلی شلوغیه. همیشه خدا هم تو کوچمون دوبله پارک می کنن. باخاطر به بازار هفتگی که نزدیکونه، ما که هر وقت می خوام از در خونه با ماشین بیایم بیرون داستان داریم. بدون این بازاره هم کوچمون به اندازه کافی شلوغ هست. هر کوم از همسایه ها دوتا دوتا ماشین دارن. آکوچه هم پر از آیارتمان های بلند مرتبه هر کوم 30 تا 30 تا واحد. حالا شما تصور کن وضعیت مارو. آهر چند وقت به بار دعواست سر جا پارک و بد پارک کردن مردم. آدیزور یکی از همسایه هامون سگته قلی کرده بود بنده خدا، زدگ زده بودن اورژانس. ماشین اورژانس که نتونست بیاد تا دم در خونه، بنده خدا رو توی براکارد از بالا آوردن پایین تا سر کوچه به سختی بردن.

مائیا: من عاشق چهارشنبه سوری ام. با براندم و دوستانم و دوستاش قرار مدار می داریم توی کوچمون. آتیش رو روشن می کنیم و موسیقی رو می داریم و لوازم آتیش بازی هم میبریم با خودمون. کم کم انما از لونه هاشون میان بیرون و دور هم جمع میشن. بعضیا هیجان و سروصدا دوست دارن مثل من. بعضیام دور هم جمع شدن و دید و بازدید و شریک شدن شادیشون رو دوست دارن مثل مامان بابام. به همسایه‌م هست آتش چهارشنبه سوری می زده با خودش میاره بعضیام شکلات و خوردنی میارن. خلاصه هرکی هرچی رسمته با خودش میاره و به به طرفم شادی می کنه. آهر سال که ما می خوام بریم وسیله آتیش بازی

Varpio 2020, 2; Naeem et al. 2023, Maguire and Delahunt 2017, 3353)، در این روش، مضامین به صورت انعطاف‌پذیر، ارگانیک و داده‌محور شکل گرفته و از پیش تعیین شده نیستند (Byrne 2022, 1393) و محقق در ابتدا با دسته‌بندی مفاهیم به استخراج کدهای اولیه و سپس با یافتن هم‌پیوندی میان آنها از طریق مقایسه، در کنار هم قرار دادن و بررسی به تولید کدها یا مضامین اصلی که در پاسخ به پرسش پژوهش به دست می‌آیند از دل داده‌های پژوهش می‌پردازد. تصویر ۲ نمونه‌ای از نحوه‌ی انجام کدگذاری اولیه



تصویر ۲. استخراج کدهای باز (مأخذ: نگارندگان)

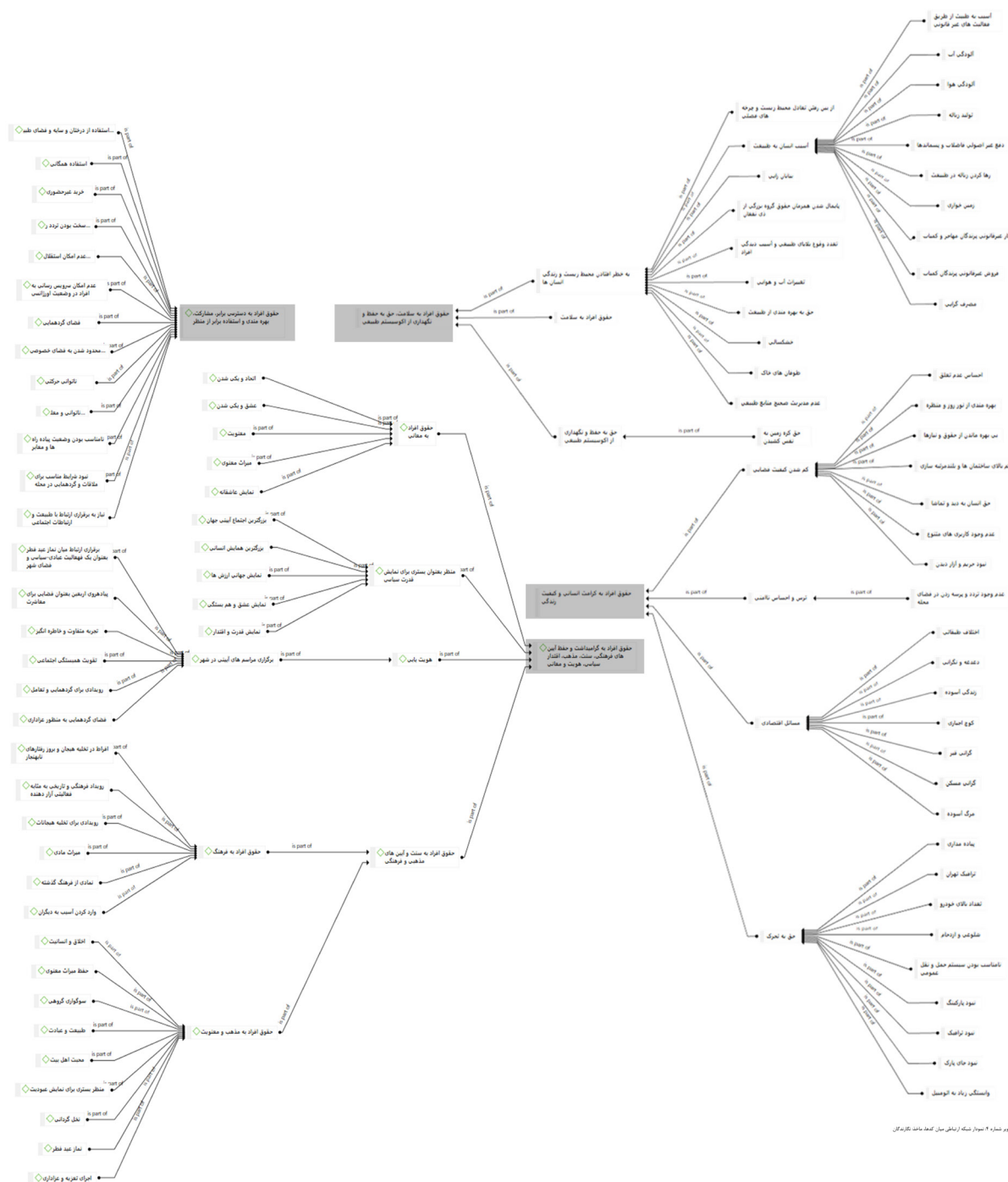
بعد مناظر با اهمیت فرهنگی، مناظر طبیعی و مناظر روزمره شناسایی کرده و به گردآوری داده‌های مربوط به مجموعه حقوق تابعه از طریق مرور محتوایی اسناد، بررسی تصاویر و داده‌های آرشیوی و در نهایت مصاحبه پرداختیم. بعد از شناسایی گروه‌های ذی‌نفع و مخاطبان این رویدادها در مناظر پیمایش بصورت رندوم انجام شد. از میان ۱۰۷ کد غیرتکراری استخراج شده، چهار دسته مضمون اصلی تحت عنوان ۱. حقوق افراد به گرامیداشت و حفظ آیین‌های فرهنگی، سنت، مذهب، اقتدار سیاسی، هویت و معانی، ۲. حقوق افراد به کرامت انسانی و کیفیت زندگی، ۳. حقوق افراد به سلامت، حق به حفظ و نگهداری از اکوسیستم، و ۴. حقوق افراد به دسترسی برابر، مشارکت، بهره‌مندی و استفاده برابر از

۵. یافته‌های پژوهش

طبق آنچه ذکر شد، منظر عبارت است از محصول تعامل میان انسان و محیط که ادراک انسان آن را تعریف می‌کند و حقوق افراد به منظر مجموعه‌ای از حقوق در هم تنیده و در تعارض است که با در نظر گرفتن گروه‌های ذی‌نفع و ویژگی‌های منظر قابل تبیین است. قاعده‌ی فقهی لاضرر نیز به‌عنوان یک اصل فقهی اسلامی به موازات مسئله‌ی حق به منظر به روشنی و سادگی به تحدید و تعیین مرز برای آن می‌پردازد. با توجه به دسته‌بندی سه‌گانه استرکر از مناظر، در این پژوهش برای گردآوری داده‌های متنی، تصویری، و صوتی پژوهش ابتدا رویدادهای رخ داده در مناظر را در سه

منظر از میان داده‌های پژوهش استخراج شد. روابط میان کدهای فرعی، کدهای محوری و مضامین اصلی به شکل کد فارست در تصویر ۳ نمایش داده شده است. در میان مضامین استخراج‌شده، دسته‌ی اول با ۳۸ کد و سپس دسته‌ی دوم

نمونه ۳: کد فارست (مأخذ: نگار، ۱۳۸۴: ۱۰۰)



تصویر ۴. نمودار شبکه ارتباطی میان کدها (مأخذ: نگارندگان)

این مناظر ممکن است که اساساً فاقد ارزش‌های تاریخی، فرهنگی، و یا طبیعی باشند، اما ارتباط هر روزه و پرتکرار افراد با این مناظر بر درجه‌ی اهمیت آنها در مسئله‌ی حق بر منظر می‌افزاید. مناظر روزمره دسته‌ی وسیعی از مناظر شهری، از جمله فضاهای سبز شهری، خیابان‌ها، کوچه‌ها و شریان‌های

از میان مصادیق و رویدادهای مورد بررسی، پراهمیت‌ترین آنها در بستر مناظر روزمره است که طبق تعریف کنوانسیون منظر اروپا در ارتباط تنگاتنگ با زندگی هر روزی ساکنان شهر قرار دارند (Council of Europe 2018, 49) و بستری برای شکل‌گیری لحظه به لحظه‌ی تعارضات هستند.

به لحاظ زیباشناسانه و چه به لحاظ کاربری و عملکردی آسیب وارد می‌کند. نمونه‌ای از آسیب‌های ناشی از این نوع مدیریت و توسعه شهری گرانی افسار گسیخته‌ی زمین و خانه که در دهه‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم است که باعث رانده شدن قشر کم‌درآمد به حاشیه‌های شهرها با امکانات کم و محدودیت‌های بسیار شده است و این نوعی از اعیانی‌سازی است که به‌عنوان عاملی آسیب‌رسان به اقشار در حاشیه و کم‌قدرت‌تر مطرح شده است.

همچنین مناظر ارزشمند فرهنگی که دربردارنده‌ی فرهنگ غنی و پیشینه‌ی تاریخی کشور ایران هستند، رویدادهای فرهنگی، آیینی، سنتی، تاریخی و مذهبی بسیاری را میزبانی می‌کنند که بخش بزرگی از خاطره‌ی جمعی و هویت ملی، سرزمینی و اسلامی مردم ایران را تشکیل می‌دهند. در کنار ابعاد فرهنگی منظر دارای ابعاد و کارکردهای سیاسی متعددی نیز است (Political Implications of the Urban Landscape 2011, 57). رویدادهای ذکر شده در بستر منظر فرهنگی و سیاسی از حیث حق به منظر در نمونه‌هایی چون جشن چهارشنبه‌سوری و سیزده‌به‌در، عزاداری و مرثیه‌خوانی برای ائمه اطهار، تعزیه‌خوانی و نخل‌گردانی، جشن‌ها و اعیاد مذهبی و یا عزاداری‌های بومی و محلی مناطق مختلف ایران قابل بررسی هستند. این رویدادها نمایشگر حقوق افراد به مذهب، معنویت، و فرهنگ هستند. همچنین مراسم عید فطر که هر سال در روز پایانی ماه رمضان و با نماز عید فطر برگزار می‌شود، همزمان رویداد و نمایشی است از بندگی و عبودیت انسان و شکرانه‌ای برای فرد روزه‌دار که توانسته یک ماه در این ماه پربرکت به عبادت و روزه‌داری بپردازد، همزمان نمادی است از همبستگی و قدرت مردم در کنار هم و نشان دادن یک قدرت سیاسی متحد. همچنین مراسم پیاده‌روی اربعین در کنار اهداف معنوی و ادای احترام به جای آوردن رسم زیارت ائمه معصومین، در سطوح منطقه‌ای و جهانی نمایش قدرت نمایی و همبستگی مسلمانان شیعه است. بنابراین می‌بینیم که چگونه حرکتی نمادین مانند پیاده‌روی و یا خواندن نماز و به جای آوردن فرائض دینی و مذهبی در خیابان‌ها، مساجد، کوچه‌ها و عرصه‌ی عمومی شهر تلاشی است برای استیفای حقوق افراد به هویت، فرهنگ، معانی و اقتدار سیاسی نسبت به منظر.

در نهایت منظر به‌عنوان یک اکوسیستم و قرارگاه طبیعی که تضمین‌کننده‌ی حیات و بقای نسل بشر است، بعدی مهم و حیاتی در مسئله‌ی حق به منظر است. در این زمینه، بشر تا به امروز آسیب‌های بسیاری را به اکوسیستم وارد آورده است. آلودگی هوای کلان‌شهرها که حقوق افراد به سلامت

ارتباطی، میدانگاه‌ها و فضاهای باز و بسته‌ی جمعی، فضاهای خدماتی شهری، زیرساخت‌ها و مجموعاً هر فضایی در حوزه‌ی عمومی شهر که افراد به‌صورت روزانه از آنها بهره می‌برند را شامل می‌شود، بنابراین در سخن از حقوق افراد به مناظر روزمره می‌توان به مجموعه‌ای از حقوقی که تضمین آنها موجب افزایش کیفیت زندگی و کرامت انسانی، دسترسی، مشارکت، بهره‌مندی، و استفاده عادلانه افراد شوند اشاره کرد، از جمله مسئله‌ی کیفیت فضا، امنیت، تحرک، و اقتصاد. در ارتباط با کیفیت فضایی، علاوه بر ویژگی‌های فیزیکی، مسائلی چون حس تعلق، بهره‌مندی از نور و منظره، زیبایی و چشم‌نوازی، تراکم متناسب، کاربری‌های متنوع و حق انسان به دید و تماشا قابل ذکرند. ادیب‌زاده در ارتباط با حقوق محفوظه افراد در سیمای شهر اسلامی به حق نظاره و حق جلوه به عبارتی حق چشم اشاره می‌کند که در آن تعادلی بین جلوه و نظاره با توجه به حق استیفا و حق تمتع لازم است. به عبارتی برای شهروندان حقی به نظاره وجود دارد که تمتع از سیمای شهری موزون، دارای نظم، زیبا، دارای وحدت، و آرامش بخش را در بر می‌گیرد، همچنین برای شهر و سیمای اسلامی آن حقی بر جلوه‌گری است و موجبات آرامش، میل به کمال، سعادت و پرستش را در انسان بیدار می‌کند (ادیب‌زاده ۱۳۹۷، ۶۴). در سطحی دیگر در مدیریت منظر شهری، دیده می‌شود که برنامه‌ریزی‌های بالا به پایین و بدون در نظر گرفتن همه‌شمولی و نیازهای گروه‌های مختلف ذی‌نفع، چگونه باعث شده است که در سطح شهر از نصب صحیح علائم و تجهیزات مربوط به نابینایان و معلولین غفلت شده و حقوق این افراد به را به تحرک و جابجایی در فضاهای عمومی شهر تحت تأثیر قرار داده و آنها را منزوی کند و یا چگونه کودکان و سالمندان به دلیل نبود برنامه‌ریزی‌های درست از سطح شهر محو شده و یا مورد غفلت قرار می‌گیرند. همچنین می‌توان دید که چگونه توسعه‌ی اتوبان‌ها و مسئله‌ی فضاهای ره‌اشده شهری، خرابه‌ها، فضاهای متروکی مانند زیر پل‌ها و کناره‌های دور از دسترس پیاده‌ی شهر فضاهایی ناامن برای شهروندان، بخصوص زنان و کودکان ایجاد می‌کند و به حذف این گروه‌ها از منظر و پامال شدن حقوق آنها به تحرک در منظر منجر می‌شوند. همچنین بعد اقتصادی از ابعاد مهم مناظر روزانه است، افزایش قیمت زمین و مسکن به طور مستقیم بر کیفیت زندگی و فعالیت‌های روزانه افراد تأثیر می‌گذارد. مسائلی چون تراکم فروشی، بلندمرتبه‌سازی‌های بدون قاعده، ساخت و سازهای غیرمجاز، بخصوص آنچه در مناطق اعیان‌نشین حومه تهران شاهد آن هستیم، ویلاسازی‌های بی‌قاعده، جنگل‌خواری و کوه‌خواری، علاوه بر آثار زیان بار زیست‌محیطی، تخریب زیستگاه‌ها و محیط زیست، بر حقوق شهروندان به منظر چه

بررسی قرار بگیرد و از قلب این تعامل، مناظر تولید و بازتولید می‌شوند. گروه‌های ذی‌نفع متعدد به روش‌های مختلف در صدد مطالبه‌گری و احقاق حقوق خود به آن هستند بنابراین منازعه‌ی پنهان و جدال قدرتی میان گروه‌های مختلف در منظر همواره در جریان است و تعدد حقوق، تعارضات بسیاری را در تبیین مسئله‌ی حق به منظر به‌وجود می‌آورد. تعارضاتی که با وجود جهانی بودن مفهوم حقوق بشر مستتر در حق بر منظر (استثنایپذیر و فارغ از دلالت‌های فرهنگی و جغرافیایی)، نیازمند رویکردهای مبتنی بر زمینه و با عطف به فرهنگ و ارزش‌های مذهبی، بومی، تاریخی، و جغرافیایی هستند. توجه اسلام به مسئله‌ی حق و عدالت چشمگیر است و قواعد و آیات قرآنی متعدد موجود، مهر تأییدی بر این مسئله اساسی و مهم هستند. نشان داده شد که قاعده‌ی فقهی لاضرر، قاعده‌ی مناسبی در تحدید مرزهای حق بر منظر در تعارضات شکل گرفته در ارتباط با حقوق گروه‌های ذی‌نفع منظر به حساب می‌آید. بنابراین توجه به این قاعده می‌تواند عدم توازن موجود در بهره‌مندی گروه‌های مختلف علی‌الخصوص گروه‌های کم‌صدا و غالباً کنار گذاشته شده را به سمت توازن ببرد و به این ترتیب گام‌های ابتدایی را به سمت مفهوم حق در منظر تسهیل کند. طبق آنچه پیش از این آمد، این پژوهش با بررسی رویدادهای شکل گرفته در قلب منظر و با استفاده از روش تحلیل مضمون کیفی که روشی مناسب برای استخراج مفاهیم و مضامین پنهان از میان داده‌های گردآوری شده است، حق بر منظر را در چهار محور به شرح زیر تبیین می‌کند. ۱. گرامیداشت و حفظ آیین‌های فرهنگی، سنت، مذهب، اقتدار سیاسی، هویت، و معانی، ۲. کرامت انسانی و کیفیت زندگی، ۳. سلامت، حق به حفظ و نگهداری از اکوسیستم،

و ۴. دسترسی برابر، مشارکت، بهره‌مندی، و استفاده برابر از منظر. شناخت این ابعاد در برنامه‌ریزی صحیح در راستای توجه به حقوق همه‌جانبه‌ی افراد به مناظر شهری و ایجاد تعادل در برخورداری گروه‌های بی‌صدا و در حاشیه از مناظر کمک کرده و با سیاست‌گذاری‌های درست در کنار رویکردهای بومی و منطقه‌ای به جای برنامه‌ریزی‌های کلان و از بالا به پایین به سمت همه‌شمولی، برابری و دموکراسی در منظر که از اهداف نهایی مفهوم حق بر منظر است، بتوانیم گام‌هایی هرچند ابتدایی اما موثر برداریم.

را به خطر می‌اندازند، در کنار بهره‌برداری‌های بیش از حد از معادن، آلودگی آب، دفع غیراصولی زباله‌ها و مدیریت ناصحیح پسماندها، قاچاق و شکار غیرمجاز پرندگان و حیوانات وحشی را بیفزاییم خواهیم دید که چگونه حقوق انسانی شهروندان به حیات و سلامت و حقوق طبیعت به حفظ و حراست پایدار در عین حفظ تنوع زیستی در ابعاد وسیعی مورد تخطی قرار گرفته است.

در نظر گرفتن مرزهای حقوق در هم تنیده‌ی گروه‌های مختلف اجتماعی استفاده‌کننده، در بسیاری موارد از بروز تعارضات حاصل از استیفای حقوق می‌کاهد. به‌عنوان مثال در رویداد چهارشنبه‌سوری به‌عنوان یک رویداد فرهنگی، حقوق افراد به پیوند فرهنگی، جشن و سرور همگانی در کنار نیاز جوانان به تخلیه هیجانی و خطر قرار گرفته و منظر شهر که سابقاً پاتوقی برای همدلی و بازیوند محسوب می‌شد کارکرد خود را به کل از دست می‌دهد. در مثالی دیگر، توسعه و گسترش پایتخت که بر محور افزایش کیفیت اتوبان‌ها و تعداد آنها، کاهش ترافیک و تسهیل تردد میان مناطق مختلف تهران هستند، توسعه‌ای مردم‌محور بوده و غافل از نیازهای زنانه‌اند که نیازمند طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای همسایگی پاسخگو، متنوع و متناسب با نیازهایشان هستند؛ چرا که زنان بر مبنای اصول اخلاقی مراقبتی و به واسطه‌ی تأمین نیازهای خانواده مخاطبین استفاده‌کنندگان اصلی این فضاها هستند. همچنین در ارتباط با منظر به‌عنوان محیط زیست، حقوق افراد به بهره‌مندی از طبیعت در مقابل حقوق نسل‌های بعدی به حفظ طبیعت و همچنین حقوق محیط زیست به‌عنوان یک عامل زنده به حفظ و نگهداری قرار می‌گیرد. بنابراین، رویدادهای روزانه، که قلب تعاملات روزمره افراد هستند و یا مناظر فرهنگی، تاریخی، آیینی و ملی که جزوی ارزشمند از میراث ناملموس به حساب می‌آیند، در عین اینکه نیازمند مراقبت، حفظ و صیانت هستند، نیازمند برنامه‌ریزی و قانون گذاری درست هستند تا طبق قاعده لاضرر، نه آسیبی به خود فرد، نه به دیگران وارد شود.

۶. نتیجه‌گیری

منظر می‌تواند در ابعاد و سطوح مختلف، از منظر سرزمینی تا منظر در ابعاد خرد و در اندازه‌ی پارک‌های جیبی و یا لکه‌های سبز شهری در ارتباط با انسان مورد

منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه‌ی سید علی موسوی گرمارودی. تهران: موسسه انتشارات قدیانی.
۲. نهج‌البلاغه. ۱۳۸۳. گردآوری شده توسط سید رضی. ترجمه‌ی محمد دشتی. تهران: پارسیان.

۳. ابن شعبه حرّانی. ۱۳۸۲. *تحف العقول*. ترجمه‌ی حمد جنتی. جلد اول. تهران: موسسه امیر کبیر.
۴. ادیبزاده، بهمن. ۱۳۹۷. حق نظاره و حق جلوه دار سیمای شهری. صفحه ۲۸ (۸۰): ۶۱-۶۷.
۵. پژوهنده، هادی، و علی پژوهنده. ۱۳۹۲. نقدی بر هندسه‌ی شهری از دید اخلاق و حقوق اسلامی. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی* ۱۹ (۲): ۱۸۷-۲۱۶.
۶. جوادى آملی، عبدالله. ۱۳۹۸. *اسلام و محیط زیست*. چاپ دهم. قم: مرکز نشر اسراء.
۷. حاجی قاسمی اردبیلی، محمد، و علیرضا میلانی. ۱۴۰۰. تأملی بر سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران نسبت به جرایم محیطی در پرتو آموزه‌های فقه امامیه. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی* ۱۳ (۵۱): ۹۲۴-۹۴۳.
۸. حسن‌پور، محسن، سید محمد موسوی بجنوردی، و مریم ابن‌تراب. ۱۳۹۸. کاربرد قاعده لاضرر در حفاظت از محیط زیست و معماری در راستای ارائه مدلی برای شهرسازی اسلامی و ایرانی. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی* ۱۲ (۱): ۲۷۶-۲۵۱.
۹. حسن‌زاده، حسن، محمد ادیبی مهر، داوود داداش‌نژاد دلشاد، و محمد جواد باقی‌زاده. ۱۳۹۸. نقش قاعده فقهی لاضرر در مدیریت بحران‌های محیط زیستی. *آموزش محیط زیست و توسعه پایدار* ۷ (۳): ۱۲۷-۱۴۶.
۱۰. حیدری، علی‌اکبر، و عیسی قاسمیان. ۱۳۹۸. تحلیل نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی خانه‌های سنتی ایرانی (نمونه موردی: خانه مرتاض در یزد). *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۷ (۲۳): ۸۷-۱۰۶.
۱۱. خسروی، محمدباقر، محمدرضا بمانیان، و محمد کاظم سیفیان. ۱۳۹۱. نقش هویت‌ساز قاعده لاضرر در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی. *نقش جهان* ۳ (۱): ۱۹-۳۰.
۱۲. شاه‌بیک، حسین، محمد جواد حیدری، و محمد نوذری فردوسی. ۱۴۰۰. نقش قاعده لاضرر در پیشگیری از تعارض منافع در اجرای قوانین حفاظت از محیط زیست. *مبانی فقهی حقوق اسلامی* ۲۸ (۲): ۱۴۱-۱۵۵.
۱۳. طغری‌الجردی، سید مجید هاشمی. ۱۳۹۵. ارزیابی و نقد مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری پیرامون هویت اسلامی شهرسازی و معماری ایران. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۴ (۱۲): ۲۲-۴۱.
۱۴. فغفور مغربی، حمید. ۱۳۸۸. اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام. *اخلاق پزشکی* ۳ (۸): ۴۴-۱۱.
۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۸.
۱۶. قلندریان گل خطمی، ایمان، و مهدی حقیقت‌بین. ۱۳۹۵. کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن. *شیعه‌شناسی* ۱۴ (۵۵): ۶۹-۹۸.
۱۷. محقق داماد یزدی، سید مصطفی. ۱۳۸۲. *قواعد فقهی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۸. موحد، محمد علی. ۱۴۰۰. *در هوای حق و عدالت*. کارنامه.
۱۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود. ۱۳۸۷. *فرهنگ فقه فارسی*. قم: انتشارات موسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی.

References

1. *Holy Quran*. Translated by Seyed Ali Mousavi Garmaroudi. Tehran: Qadiani Publications Institute.
2. *Nahjol-Balaghah*. 2013. Compiled by Sayyed Razi. Translated by Mohammad Dashti. Tehran: Parsian.
3. Abu Mohammad Al-Hasan Bin Ali Bin Al-Hussein Bin Shu'ba Al-Harrani. 2003. *Tuhaf al-'Uqoul*. Edited by Ahmad Jannati. Volume 1. Tehran: Amir Kabir Institute.
4. Adibzadeh, Bahman. 2017. The Right to Observe and the Right to Resplendence in the Islamic City Image. *Soffeh* 28 (80): 61-67.
5. ATLAS.ti Scientific Software Development GmbH. 2019. *Atlas.Ti*. Berlin.
6. Braun, Virginia, and Victoria Clarke. 2006. Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology* 3 (2): 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>.
7. Braun, Virginia, and Victoria Clarke. 2021. One Size Fits All? What Counts as Quality Practice in (Reflexive) Thematic Analysis? *Qualitative Research in Psychology* 18 (3): 328-52. <https://doi.org/10.1080/14780887.2020.1769238>.
8. Braun, Virginia, and Victoria Clarke. 2023. Toward Good Practice in Thematic Analysis: Avoiding Common Problems and Be(Com)Ing a Knowing Researcher. *International Journal of Transgender Health*. <https://doi.org/10.1080/26895269.2022.2129597>.
9. Byrne, David. 2022. *A Worked Example of Braun and Clarke's Approach to Reflexive Thematic Analysis*. Quality and Quantity. <https://doi.org/10.1007/s11135-021-01182-y>.
10. Council of Europe. 2018. *Glossary of the Information System of the Council of Europe Landscape Convention-Spatial Planning and Landscape*.

11. Egoz, Shelley, Jala Makhzoumi, and Gloria Pungetti. 2016. *The Right to Landscape Contesting Landscape and Human Rights*. New York: Routledge.
12. Egoz, Shelley. 2012. *The Routledge Companion to Landscape Studies*. Edited by Peter Howard, Ian Thompson, Emma Waterton, and Mick Atha, 1st ed., 512. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203096925>.
13. Faghfour Maghrebi, Hamid. 2009. Ethical Principles of the Environment from the View Point of Islam. *Quarterly Journal of Medical Ethics* 3 (8): 11-44.
14. Grenfell, Michael James. 2013. *Pierre Bourdieu Key Concepts*. 2nd Edition. Routledge.
15. Haji Ghasemi Ardabili, Mohammad, and Alireza Milani. 1400. A Reflection on the Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran Regarding Environmental Crimes in the Light of Imami Jurisprudence. *New Perspectives in Human Geography* 13(51): 924-943.
16. Hashemi Shahroudi, Seyyed Mahmoud. 2008. Persian Jurisprudence Dictionary. Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence Institute. <https://lib.eshia.ir/23017/1/1>.
17. Hassanpour, Mohsen, Seyyed Mohammad Mousavi Bejnordi, and Maryam Ibn Torab. 2018. The Application of the Rule of "La Zarar" in the Protection of the Environment and Architecture in order to Provide a Model for Islamic and Iranian Urban Planning. *Human Geography* 12(1): 251-276.
18. Hassanzadeh, Hassan, Mohammad Adiby Mehr, Dawood DadashNejad Delshad and Mohammad Javad Baghizadeh. 2018. The role of the rule of prohibition of detriment in the management of environmental Crises. *Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development* 7 (3): 127-46.
19. Heidari, Ali Akbar, and Isa Ghasemian. 2018. Contentment and Architecture an Investigation of the Manifestation of the Concept of Contentment in the Pattern of Iranian Traditional Houses (Case Study: Mortaz House). *Journal of Researches in Islamic Architecture* 7 (23): 87-106
20. Hohfeld, Wesley Newcom. 1919. *Fundamental Legal Conceptions as Applied in Judicial Reasoning: And Other Legal Essays*. Edited by walter Wheeler Cook. 1st ed. New Haven: Yale University Press.
21. Javadi Amoli, Abdollah. 2019. *Islam and the Environment*. 10th Edition. Qom: Esra Publishing Center.
22. Jones, Michael. 2016. Contested Rights, Contested Histories: Landscape and Legal Rights in Orkney and Shetland. In *The Right to Landscape Contesting Landscape and Human Rights*, edited by Shelley Egoz, Jala Makhzoumi, and Gloria Pungetti, 71-83. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315237350>.
23. Jowsey, T., C. Deng, and J. Weller. 2021. *General-Purpose Thematic Analysis: A Useful Qualitative Method for Anaesthesia Research*. BJA Education. <https://doi.org/10.1016/j.bjae.2021.07.006>.
24. Khosravi, Mohammad, Mohammadreza Bamanian, and Mohammadkazem Seifian. 2013. The Role of the La'Zarar in the Formation of Islamic Architecture Pattern. *Naqshejahan* 3 (1): 19-30.
25. Kiger, Michelle E., and Lara Varpio. 2020. Thematic Analysis of Qualitative Data: AMEE Guide No. 131. *Medical Teacher*, 1-9. <https://doi.org/10.1080/0142159X.2020.1755030>.
26. Kühnhardt, Ludger, and Tilman Mayer, eds. 2019. *The Bonn Handbook of Globality- Volume 1*. Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-319-90377-4_54.
27. Maguire, Moira, and Brid Delahunt. 2017. Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars. *AISHE-J* 8 (3): 3351-64. <http://ojs.aishe.org/index.php/aishe-j/article/view/335>.
28. Menatti, Laura. 2017. Landscape from Common Good to Human Right. *International Journal of the Commons* 11 (2): 641-683. <https://doi.org/DOI: 10.18352/ijc.738>.
29. Mohagheg Damad Yazdi, Seyyed Mustafa. 2003. *Jurisprudential Rules*. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. <https://lib.eshia.ir/71421/1/0>.
30. Movahed, Mohammad Ali. 1400. *In the Air of Truth and Justice*. Karnameh.
31. Naeem, Muhammad, Wilson Ozuem, Kerry Howell, and Silvia Ranfagni. 2023. A Step-by-Step Process of Thematic Analysis to Develop a Conceptual Model in Qualitative Research. *International Journal of Qualitative Method* 22: 1-18. <https://doi.org/DOI: 10.1177/16094069231205789>.
32. Olwig, Kenneth R. 2016. The Right Rights to the Right Landscape? In *The Right to Landscape Contesting Landscape and Human Rights*, edited by Shelley Egoz, Jala Makhzoumi, and Gloria Pungetti, 1st ed., 39-50. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315237350>.
33. Olwig, Kenneth R., and Don Mitchell. 2007. Justice, Power and the Political Landscape: From American Space to the European Landscape Convention. *Landscape Research* 32 (5): 525-31. <https://doi.org/10.1080/01426390701552688>.
34. Pajohande, Hadi, and Ali Pajohande. 2013. Review of Urban Geometry from the Perspective of Islamic

Ethics and Law. *Islamic Social Studies* 19 (2): 187-216.

35. Pierce, Joseph, Olivia R. Williams, and Deborah G. Martin. 2016. Rights in Places: An Analytical Extension of the Right to the City. *Geoforum* 70 (2016): 79–88. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2016.02.006>.

36. Political Implications of the Urban Landscape. 2011. *EFLA Journal*. European Federation of Landscape Architecture.

37. Qalandarian Golkhatmi, Iman, and Mehdi Haghighatbin. 2015. The Application of Jurisprudence in the Realization of a Safe Urban Landscape. *A Quarterly for Shi'a Studies* 14 (55): 69-98.

38. Shahbeik, Hossein, Mohammad Javad Heidari, and Mohammad Nazari Ferdosieh. 2021. The Role of the Prohibition of Detriment Rule in Preventing Conflicts of Interest in Implementaion of Environmental Protection Laws. *Journal of Islamic Jurisprudence and Law* 14 (2): 141-155.

39. Strecker, Amy. 2018. Landscape Protection in International Law. *Santander Art and Culture Law Review* 2 (5): 296–99.

40. *The Constitution of the Islamic Republic of Iran*. 1989. Islamic Republic of Iran.

41. *The Universal Declaration of Human Rights*. 1948. <https://doi.org/10.1017/S0031819117000274>.

42. Togholjerdi, Seyed Majid Hashemi. 2015. Assessment and Criticism of the Decisions of the Supreme Council for Urbanism and Architecture about Islamic Identity of Urbanism and Iranian Architecture. *Journal of Researches in Islamic Architecture* 4 (12): 22-41.

43. Waldron, Jeremy. 2017. *The Philosophy of Human Rights*. Edited by Gerhard Ernst and Jan-Christoph Heilinger. NBER Working Papers. Berlin/Boston Library: De Gruyter. <http://library.oapen.org/handle/20.500.12657/31638>.

